

واکاوی ابعاد اجتماعی و حقوقی خرید و فروش نوزادان

معامله‌ای علیه انسانیت

وقتی فقر، نوزادان را به کالایی برای خرید و فروش تبدیل می‌کند

دلیل کارشناسان تأکید می‌کنند که فرزندخواندگی

قانونی تنها راهی است که می‌تواند با نظارت نهادهای مسئول، منافع کودک را تا حدی تضمین کند.

◀ **فقر؛ مهم‌ترین متهم در پرورنده فروش کودکان**
فعالان حوزه کودکان معتقدند که فقر اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل سوق دادن خانواده‌ها به سمت فروش فرزندان است. در بسیاری از موارد، مادران یا خانواده‌هایی که دست به چنین اقدامی می‌زنند، در شرایطی قرار دارند که حتی تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی برای آنها دشوار شده‌است. بنفشه امینی، فعال حقوق کودکان در این باره به تعادل می‌گوید: نباید تصور کنیم همه موارد فروش نوزاد حاصل بی‌عاطفگی والدین است. در بخش قابل توجهی از پرورنده‌ها یا خانواده‌هایی مواجهه‌هستیم که در فقر شدید، اعتیادبی‌خاتمانی یا آسیب‌های متعدداجتماعی گرفتار شده‌اند. این شرایط البته فروش کودک را توجیه نمی‌کند اما نشان می‌دهد که ریشه‌مسأله بسیار عمیق‌تر از یک انتخاب فردی است. اومی افزاید: زنان سرپرست خانوار، مادران بدون پشتوانه اجتماعی، زنان درگیر اعتیاد و خانواده‌هایی که در حاشیه‌شهرها زندگی می‌کنند، بیش از دیگران در معرض قرار گرفتن در چرخه فروش کودکان هستند. این فعال حقوق کودک تأکیدمی‌کند: هر زمان که بحران‌های اقتصادی تشدیدمی‌شود، شاهد افزایش برخی آسیب‌های اجتماعی هستیم. فروش کودک نیز از همین قاعده‌تبعیت می‌کند. وقتی خانواده‌ای توان تأمین هزینه غذا، اجاره مسکن و درمان را ندارند، احتمال تصمیم‌های پرخطر و آسیب‌ز افزایش پیدامی‌کند.

◀ **کودک؛ قربانی خاموش یک معامله**
این فعال حقوق کودکان ادامه می‌دهد: آنچه در بسیاری از پرورنده‌های خرید و فروش کودکان نادیده گرفته می‌شود، آثار بلندمدت این اتفاق بر زندگی کودک است. کودکی که هویت واقعی خود را نمی‌شناسد، از خانواده زستی جدا شده و در شرایطی نامطمئن رشد می‌کند، ممکن است در آینده با بحران‌های متعدد هویتی و روانی مواجه شود. اومی افزاید: به عقیده بسیاری از کارشناسان حوزه سلامت روان کودک کاشی که از نحوه ورود خود به خانواده مطلع می‌شوند، ممکن است احساس طردشدگی، بی‌اعتمادی و ناامنی عاطفی را تجربه کنند. این مسأله به ویژه زمانی تشدیدمی‌شود که فرآیند واگذاری بدون نظارت قانونی و بدون در نظر گرفتن منافع کودک انجام شده باشد. افزون بر این، بسیاری از این کودکان از حق پر خوداری از هویت رسمی‌شان سلب می‌شوند. حمایت‌های قانونی محرومی‌شوند و در سال‌های بعد با مشکلات اداری و حقوقی متعددی روبرو و خواهند شد.

◀ **آل‌های حمایتی و مسوولیت دولت**
بنفشه‌امینی تأکیدمی‌کند: سبیل‌زها بخیردو فروش کودکان تنها با برخورد قضایی امکان‌پذیر نیست. هر چند برخورد با واسطه‌ها و پدیده‌های سازمان‌یافته ضروری است اما اتا، مانی که عوامل زمینه‌ساز این آسیب‌هاقی هستند، احتمال تکرار آن وجود خواهد داشت. نبود حمایت کافی از خانواده‌های

واکاوی ابعاد اجتماعی و حقوقی خرید و فروش نوزادان

معامله‌ای علیه انسانیت

وقتی فقر، نوزادان را به کالایی برای خرید و فروش تبدیل می‌کند

کلی‌ماندگار |

انتشار خبر مصادری که طی سال‌های مختلف نوزادان خود را در ازای مبالغی ناچیز

فروخته بوده، بار دیگر افکار عمومی را با یکی از تلخ‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور روبرو کرد؛ پدیده‌ای که در آن کودک، پیش از آنکه فرصت زندگی، رشد و تجربه کودکی را پیدا کند، به موضوع یک معامله تبدیل می‌شود. اگر چه فروش کودکان و نوزادان در ایران پدیده‌ای تازه نیست، اما تکرار اخبار مربوط به کشف پدیده‌های خرید و فروش نوزاد، فرزندخواندگی‌های غیرقانونی و واگذاری‌های خارج از چارچوب قانونی نشان می‌دهد که این آسیب‌نه تنها از میان نرفته بلکه در برخی مناطق و شرایط اجتماعی خاص در حال بازتولید است. در سال‌های اخیر اخبار متعددی از فروش نوزادان در استان‌های مختلف کشور منتشر شده است. از فروش نوزادان چند روزه تا فعالیت واسطه‌هایی که میان خانواده‌های متقاضی کودک و مادران آسیب‌دیده ارتباط برقرار می‌کنند. هر بار پس از رسانه‌ای شدن این پرورنده‌ها، موجی از حساسیت اجتماعی شکل می‌گیرد اما پس از مدتی موضوع به فراموشی سپرده می‌شود؛ در حالی که ریشه‌های شکل‌گیری این آسیب همچنان پابرجاست.

◀ **فرزندخواندگی غیر قانونی؛ همه ماجرا از سر دلسوزی نیست**

در نگاه نخست ممکن است تصور شود که خریداران کودکان صرفاً زوج‌هایی هستند که امکان فرزندآوری ندارند و به دنبال تشکیل خانواده‌اند، اما واقعیت بسیار پیچیده‌تر از این تصویر ساده‌است. مدیر موسسه یاریگران کودک کار پویا اخیراً در مصاحبه با «پلنا» هشتاد داده است که در برخی موارد اهدایی غیر از سرپرستی و فرزندخواندگی در میان است. به گفته او، کودکاتی که به صورت غیرقانونی واگذار می‌شوند ممکن است در معرض انواع بهره‌کشی قرار گیرند. فعالان اجتماعی از مواردی سخن می‌گویند که در آن کودکان پس از چندسال زندگی در یک خانواده عملاً به نیروی کار بدون دستمزد تبدیل شده یا از برای انجام امور خانه استفاده شده است. در مواردی نیز نگرانی‌هایی درباره سوءاستفاده‌های جسمی، روانی و حتی جنسی از این کودکان وجود دارد، به همین

روی خط خبر

دانشگاه علوم پزشکی تهران اعلام کرد: در راستای کاهش فشرده‌گی برنامه‌های آموزشی و جلوگیری از تأخیر در فراغت از تحصیل دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران تغییراتی در تقویم آموزشی و شیوه برگزاری برخی از موزن‌ها اعمال کرد. بر اساس برنامه‌ریزی جدید، سه هفته به نیمسال تحصیلی افزوده شده و آزمون پایان ترم جاری به مردادماه منتقل شده است. همچنین دانشگاه‌ها موظف شده‌اند آزمون‌های ناتمام نیمسال اول را طبق

تقویم جدید امتحانات دانشجویان

زمان‌بندی مشخص بر گزار کنند تا روند آموزشی بدون وقفه ادامه یابد. در بخش دیگری از این تغییرات، براساس ابلاغیه معاونت آموزشی وزارت بهداشت، شرط معدل جایگزین برخی از موزن‌های جامع از جمله علوم پایه، پیش‌کاروری و آزمون پایان دوره داروسازی شده است. طبق این مصوبه، معدل برای ورود به در آن کودکان پس از چندسال زندگی در یک خانواده عملاً به نیروی کار بدون دستمزد تبدیل شده یا از برای انجام امور خانه استفاده شده است. در مواردی نیز نگرانی‌هایی درباره سوءاستفاده‌های جسمی، روانی و حتی جنسی از این کودکان وجود دارد، به همین

منطقه‌های مختلف کشور منتظر شده است. از فروش نوزادان چند روزه تا فعالیت واسطه‌هایی که میان خانواده‌های متقاضی کودک و مادران آسیب‌دیده ارتباط برقرار می‌کنند. هر بار پس از رسانه‌ای شدن این پرورنده‌ها، موجی از حساسیت اجتماعی شکل می‌گیرد اما پس از مدتی موضوع به فراموشی سپرده می‌شود؛ در حالی که ریشه‌های شکل‌گیری این آسیب همچنان پابرجاست.

دبیر خانه کار گر قزوین، با انتقاد از وضعیت درمان سازمان تأمین اجتماعی و مشکلات بیمه تکمیلی بازنشستگان، از تشدید فشار بر معیشت کارگران شاغل و بازنشسته به واسطه هزینه‌های آزاد درمان انتقاد کرد.
عید علی کریمی با انتقاد از افزایش شدید هزینه‌های درمان، به ابلینا گفت: هزینه‌های درمان شاغلان و بازنشستگان کارگری در ماه‌های اخیر به حدی بالا رفته که این گروه علیرغم پرداخت حق بیمه و کسر هزینه بیمه تکمیلی، همچنان در دریافت

مدیر کل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر، با تأکید بر اینکه درمان اعتیاد بسیار پرهزینه‌تر از پیش‌گیری است، با انتقاد از مصرف محدود نمی‌شود، از اجرای برنامه‌های جامع درمانی در سه مرحله پیش از اعتیاد، حین درمان و سپس از بهبودی خبر داد و گفت: حمایت سه‌ساله از بهبودیافتگان، توسعه مراکز «میدو زندگی» و بهره‌گیری از روش‌های نوین درمانی از جمله بوپرنورفین تزریقی، از مهم‌ترین اقدامات در مسیر کاهش بازگشت به مصرف و بازتوانی اجتماعی افراد بهبودیافته است.
سلیمان عباسی اظهار کرد: اعتیاد یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی است که تمامی کشورها را درگیر کرده و به دلیل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار دارد.
جمهوری اسلامی ایران نیز در حوزه‌های پیشگیری، مقابله و درمان اعتیاد برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را در دستور کار خود

خبرروز

میانگین طول عمر در ایران به ۷۸ سال رسید

مشاور وزیر بهداشت و رییس دبیر خانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی گفت: میانگین امید به زندگی در ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی از ۵۴ سال به ۷۸ سال افزایش یافته‌است. سیدحسین امامی‌رضوی اظهار کرد: بر نامه پزشک خانواده و نظام راجع مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار برای ایجاد مر جمعیت سلامت برای مردم و ساماندهی آرایه خدمات بهداشتی و درمانی در کشور به شمار می‌رود. او تصریح کرد: سلامت یک موضوع فرابخشی است و بخش قابل توجهی از عوامل موثر بر آن خارج از حوزه وزارت بهداشت قرار دارد. امامی‌رضوی این رشد را نتیجه زیرساخت‌های بهداشتی، گسترش خدمات درمانی، افزایش دسترسی به مراقبت‌های سلامت و ارتقای شاخص‌های رفاهی در جامعه عنوان کرد، اما همچنان برای ارتقای کیفیت زندگی و کاهش بار بیماری‌ها باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام شود.



به جلوگیری از قاچاق، خرید و فروش و بهره‌کشی از کودکان است. یکی از مشکلات موجود دشواری شناسایی همه موارد خرید و فروش کودکان است؛ زیرا بسیاری از این معاملات در پوشش توافقی‌های خانوادگی یا فرزندخواندگی‌های غیررسمی انجام می‌شود. این حقوق‌دان می‌افزاید: اگر چه مجازات‌ها ضروری هستند اما سیاست‌کیفری به تنهایی کافی نیست. تجربه جهانی نشان می‌دهد کاهش فقر، افزایش حمایت اجتماعی و تسهیل فرآیندهای قانونی فرزندخواندگی می‌تواند بسیار موثرتر از صرفاً تشدید مجازات‌ها باشد.»

شکل‌گیری بازارهای غیررسمی را فراهم می‌کند. به این ترتیب هر گونه تسهیل در فرزندخواندگی قانونی باید هم‌زمان با حفظ حقوق کودک و نظارت دقیق انجام شود تا زمینه‌ها برای سوءاستفاده افراد سودجو از بین برود.

کودکی که نباید کالا باشد

فروش نوزاد و کودک تنها یک جرم یا تخلف قانونی نیست؛ این پدیده نشانه‌ای از شکست مجموعه‌ای از سازوکارهای حمایتی، اقتصادی و اجتماعی است. وقتی خانواده‌ای به نقطه‌ای می‌رسد که فرزند خود را می‌فروشد، یا زمانی که فردی حاضر می‌شود کودک را خارج از چارچوب قانونی خریداری کند، باید پرسید چه عواملی این شرایط را ایجاد کرده‌اند. واقعیت آن است که مقابله با این آسیب نیازمند رویکردی چندبعدی است؛ از کاهش فقر و گسترش حمایت‌های اجتماعی گرفته تا آموزش عمومی، دسترسی به خدمات پیشگیری از بارداری، حمایت از مادران در معرض آسیب، تسهیل فرزندخواندگی قانونی و بر خورد قاطع با شبکه‌های سودجو. در نهایت، کودک نباید قربانی فقر، بی‌عدالتی یا خلأهای حمایتی شود. جامعه‌ای که کودک‌کش به کالایی برای معامله تبدیل‌شوند، نه تنها حقوق نسل آینده را نادیده گرفته بلکه با یکی از عمیق‌ترین بحران‌های انسانی و اجتماعی روبرو شده‌است. بحرانی که حل آن نیازمند اراده‌ای قوی‌تر از اقدامات مقطعی و واکنش‌های کوتاه‌مدت است.

فقر، کمبود مراکز حمایت از زنان آسیب‌دیده، ناکافی بودن خدمات درمان اعتیاد و ضعف نظام حمایت اجتماعی از جمله مسائلی است که بارها از سوی فعالان اجتماعی مطرح شده است. او در پایان خاطر نشان می‌کند: دولت باید پیش از آنکه خانواده‌ای به مرحله فروش فرزند برسد، بتواند از طریق شبکه‌های حمایتی مداخله کند. شناسایی خانواده‌های در معرض خطر، حمایت معیشتی هدفمند، آرایه خدمات روان‌شناختی و ایجاد فرصت‌های اشتغال می‌تواند از وقوع بسیاری از این موارد جلوگیری کند.

نگاه حقوقی به فروش کودکان

بررسی این آسیب اجتماعی اما باید از زاویه حقوقی هم مورد توجه قرار گیرد. حقوق‌دانان بر این باورند که خرید و فروش کودکان از منظر حقوقی جرمی سنگین محسوب می‌شود و قوانین کشور برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته‌اند اما مجد، حقوق‌دان در این باره به «تعادل» می‌گوید: کودک موضوع معامله نیست و هیچ فردی، حتی والدین، حق انتقال مالکیت یا واگذاری کودک در قالب خرید و فروش را ندارد. این اقدام می‌تواند مشمول عناوین مجرمانه متعددی شود و برای فروشنده، خریدار و واسطه‌ها مسوولیت کیفری ایجاد کند. او توضیح می‌دهد: علاوه بر قوانین داخلی، ایران به برخی اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک نیز متعهد است و بر اساس این تعهدات، دولت موظف

رویداد

نرخ مشارکت اقتصادی زنان؛ همچنان کمتر از ۱۵ درصد



بنابر اعلام زهرا پهلرؤز آذر، معاون رییس جمهوری در امور زنان و خانواده، بیش از ۶۰ درصد دانشجویان کشور را زنان تشکیل می‌دهند و بیش از ۸۰ درصد برخی مجوزهای کسب‌وکار نیز به نام آنان صادر می‌شود. اما سهم زنان از بازار کار همچنان از ۱۵ درصد فراتر نرفته است. این آمار از یک‌سوز از حضور پررنگ زنان در آموزش عالی و تمایل آنها به فعالیت‌های اقتصادی حکایت دارد و از سوی دیگر، از موانع ساختاری، فرهنگی و قانونی در مسیر ورود آنان به بازار کار پرده برمی‌دارد؛ موانعی که به اعتقاد کارشناسان، روند توسعه کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

موانع کسب و کار زنان

در همین رابطه، امیرحسین زمرذیان، پژوهشگر و جامعه‌شناس و نویسنده کتاب «توانمندسازی زنان» به تجار ت‌نیوز گفت: در حقوق، مسأله‌ای به اسم اصول داریم که خدشه‌ناپذیرند و باید همیشه رعایت شوند. یکی از این اصول، آن است که توسعه کشور، بدون مشارکت اقتصادی زنان ممکن نیست؛ چراکه نیمی از نیروی فعال کشور خانم‌ها هستند، بنابراین اگر آنها حذف شوند، کشور هرگز توسعه نمی‌یابد و این مسأله که زنان، ۸۰ درصد مجوزهای کسب و کار را می‌گیرند و نزدیک به ۶۰ درصد از دانشجویان را تشکیل می‌دهند ولی کمتر از ۱۵ درصد، مشارکت اقتصادی دارند، یک معضل بزرگ اقتصادی-مدیریتی است. دریافت مجوز به معنی گرفتن یک کاغذ ساده نیست؛ سازمان‌هایی برای صدور مجوز فعالیت می‌کنند که هم کارمندان بسیاری دارند و هم مخارج بالا. وقتی این مجوزها صادر می‌شوند ولی در فضای کسب‌وکار بلااستفاده باقی می‌مانند، یعنی تمامی این نیروها و تمام این فرآیند و همه این هزینه‌ها که دولت بر عهده گرفته، در حال هدر رفتن است. این مسأله به شدت ضد توسعه خواهد بود. البته راهکار این موضوع، طراحی سازوکاری که به خانم‌ها اجازه حضور در برخی رشته‌های دانشگاهی را ندهد یا ساخت‌تر کردن فرآیند گرفتن مجوز کسب‌وکار نیست، بلکه ایجاد فضای مناسب برای کسب‌وکار زنان است.

یکی از علل اصلی پایین بودن مشارکت اقتصادی زنان، مسائل فرهنگی است. ممکن است پدر خانواده‌ای که دختر در آن رشد و نمو می‌کند، چندان موافق ورود دختر به فضای کار نباشد و حتی پس از ادواج هم این مسأله وجود دارد که گاهی شوهر مانع کار همسرش می‌شود. متأسفانه، برخی حتی استقلال مالی و فعالیت اقتصادی زنان را در تضاد با نقش‌های زنانگی و مادری آنها می‌دانند.

در فضای استخدام هم برابری جنسیتی وجود ندارد

عوامل دیگری هم دیده شده‌اند، از جمله اینکه مدیریت سازمان‌ها، عموماً یک فضای مردانه است و به استخدام و ارتقای مردان تمایل دارد که متأسفانه این مسأله حتی در بسیاری از شرکت‌های خصوصی نیز دیده می‌شود، در فضای استخدام

و حتی در آگهی‌هایی که در این رابطه چاپ می‌شوند، برابری جنسیتی وجود ندارد، به‌صورت سیستماتیک، خانم‌ها حقوق کمتری از آقایان می‌گیرند و خود این مسأله، مشارکت اقتصادی را پایین می‌آورد، در سیستم فعلی، معمولاً خانم‌ها در شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی و حتی ادارات دولتی، امکان مدیریت شدن و رسیدن به مقاطع بالا را ندارند، خانم‌ها فرصت کمتری برای شرکت در دوره‌های آموزشی که محل کار معمولاً به صورت رایگان در اختیار کارکنان خود قرار می‌دهد دارند، امکانات رفاهی که باید در محل کار به شکل ویژه طراحی شوند مثل مهد کودک، سرویس بهداشتی مناسب و مجزا یا فضای آرامی برای شیر دادن به فرزند یا خواباندن او در بسیاری از محیط‌های کاری دیده نمی‌شود.

ظرفیتی که باید استفاده شود

آنچه از دیدگاه‌های زمرذیان و دیگر کارشناسان برمی‌آید این است که مسأله پایین بودن مشارکت اقتصادی زنان را نمی‌توان تنها با راجع به یک عامل توضیح داد؛ از موانع فرهنگی و نگرش‌های سنتی گرفته تا برخی قوانین، رویه‌های استخدای و کمبود حمایت‌های لازم در محیط‌های کاری، همگی در شکل‌گیری این وضعیت نقش دارند. در شرایطی که زنان سهم عمده‌ای از جمعیت دانشجویی کشور را تشکیل می‌دهند و حضور فعالی در دریافت مجوزهای کسب‌وکار دارند، تداوم نرخ مشارکت اقتصادی کمتر از ۱۵ درصد، به معنای بهره‌برداری نکردن از بخش قابل توجهی از ظرفیت انسانی کشور است؛ ظرفیتی که استفاده موثر از آن، می‌تواند هم به بهبود وضعیت زنان و هم به رشد و توسعه جامعه کمک کند.